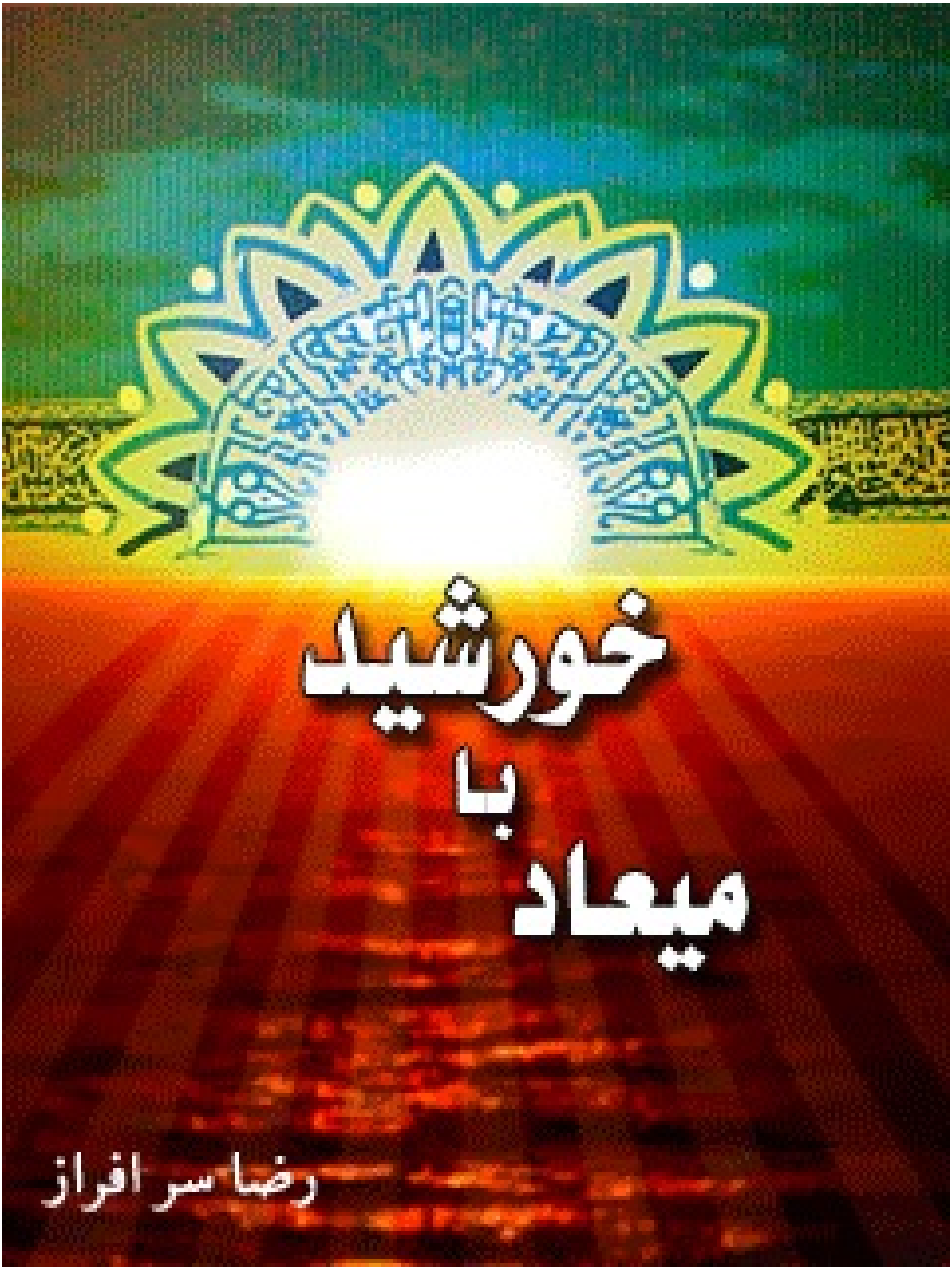

خورشید
با
میعاد
رضا سر افراز

بسم الله الرحمن الرحیم

# میعاد با خورشید

نویسنده:

رضا سرافزار

ناشر چاپی:

موسسه الامام المهدی ( عجل الله تعالی فرجه الشریف )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## میعاد با خورشید

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : میعاد با خورشید/ اثر رضا سرافراز، ۱۳۳۸

مشخصات نشر : [بی جا]:موسسه الامام المهدی ،۱۳۶۰

مشخصات ظاهری : ۶۴ص

شابک : ۶۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۹۰۲

### یادداشت ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم

صلی الله علیک یا ولی العصر ادرکنی

یـا اهـل الکتـاب لم تلبسـون الحق بالباطـل و تکتمون الحق و انتم تعلمون (آل عمران / ۷۱) افتطعمون ان یومنوا لکم و قـد کـان فریق منهم یسـمعون کلاـم الله ثم یحرفونه من بعـد ما عقلوه و هم یعلمون (البقره / ۷۵)... و شـرق شناسان، رهروان خلف سلف ناصالـح خود، و مبلغان و مجریان آن رسالت پلیدی هسـتند که آیات فوق اشارت به آن دارد: کتمان حق و تحریف و تبدیل و امتزاج آن بـا باطل. با این تفاوت که آنان در اجرای این منویات موفق تر از اسـلاف خود بوده انـد، که: چو دزدی با چراغ آید گزیـده تر برد کالا. آنان در برخوردشان، با اسـلام، ابتـدا به نقـد آن پرداختنـد و بر آن ردیه نوشـتند، اما چون این اقدام، اعلام جنگی علنی بود، خود به خود مهـاجم را می شـناساند، و مقـاومت مسـلمانان را بر می انگیخت و آنان را به دفاع وا می داشت. لـذا آنان (شـرق شـناسان) تـدبیری نو اندیشـیدند، و این بار نه در لباس دشـمن، که در چهره دوست به میدان آمدند، اسـلام را مقوله ای ارزشـمند برای تحقیق و تتبع وانمود کردند، و باب اسـلام شناسـی را گشودند و خود اسـلام شناسی گشتند، و آثاری تحقیقی که گاهی تمجیدی نیز چاشنی

[صفحه ۶]

آن بود، در طرح اسلام منتشر کردند. [۱] آنان بنای کار خود را

در تحریفات، بر تحریفات تحریف کنندگان قبل از خود نهادند، هم آنانی که اسلام مرضی خداوند متعال [۲] مورد قبول آنان نبود. پس شرق شناسان شناس بر مصادر و ماخذ علمای آن اسلام رجوع کردند محرف آنان را معرفی نمودند. اسلامی که امیرالمومنین - سلام الله علیه - درباره آن فرموده بود: بزودی زمانی بر شما فرا رسد که در آن اسلام باژگونه گردد، همانگونه که ظرف، باژگونه و محتوایش بیرون ریزد. [۳] و چه باکی از چنین اسلامی!؟ بر این اساس، بهترین نوع برخورد با اسلام اسلام شناسان غربی و طرح آن، نمایانیدن مصادر و ماخذ گفته های آنان و نقد و بررسی آن مصادر است، تا با برکندن ریشه، درخت خود به خود فرو افتد، که با خشکاندن گنداب ها، حشرات موذی ناگزیر هلاک خواهند شد. [۴] و شهید سر افرازمان رضا سرافراز همین شیوه را در طرح اقوال مستشرقین در مورد وجود مقدس حضرت ولی عصر - سلام الله علیه - در پیش گرفته و بدین گونه کوتاهترین و موثرترین راه را در این مسیر، برگزیده و به نتیجه رسیده است. امید که پروردگارش او را به جوار مولایش - که وی همیشه در پاسداری از حریم مقدسش کوشا بود - رسانده، و او را هرگز از وی جدا نگرداند. موسسه الامام المهدی (عج) ذی قعده الحرام ۱۴۰۱ - شهریور ۱۳۶۰

[صفحه ۷]

پاورقی

[۱] برای شناخت شرق شناسان اسلام شناس، و نقش آنان در مبارزه با اسلام، رجوع کنید به: التبشیر و الاستعمار (دکتر مصطفی خالدی و دکتر عمر فروخ) و الفکر الاسلامی الحدیث وصلته بالاستعمار الغربی (دکتر محمد بهی).

[۲] همان اسلامی که در

مورد آن آیه نازل شد که: الیوم اکملت لکم دینکم... و رضیت لکم الاسلام دینا.

[۳] نهج البلاغه، صبحی صالح / خطبه ۱۰۳.

[۴] در مورد تحریفات و عوامل تحریف در اسلام، رجوع کنید به آثار ارزشمند علامه سید مرتضی عسکری، خصوصا دوره کتاب های ایشان به نام نقش ائمه در احیاء دین، که در جلد سوم و چهارم آن در مورد اسلام شناسان غربی بحث شده است.

## مختصری در معرفی نویسنده کتاب

رضا سرافراز یکی از سربازان امام زمان (عج) - است، که در راه تلاش و فعالیت در راه اسلام و انقلاب اسلامی، در زمستان ۱۳۵۹ به شهادت رسید. تلاش ها و فعالیت های خالصانه رضا سرافراز در دوران زندگانیش، چنین گواهی می دهند که او فردی فعال و فداکار، در راه نشر قرآن و معارف اهل بیت - علیهم السلام - بوده است. او به هنگام تحصیلش در رشته زبان و ادبیات دانشگاه تهران و نیز پس از آن، هیچ گاه فعالیت های مذهبی اش را در حاشیه قرار نمی داد. در و دیوار مسجد ابوالصدق و نیز فعالیت های وی در موسسات فرهنگی و تبلیغی و نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران، بر این امر شهادت می دهند که وی برای اسلام دل می سوزاند و از غیبت امام زمانش رنج می برد. سرافراز، شاگرد کلاس سوم دبیرستان بود که تدریس قرآن را در مسجد ابوالصدق شروع کرد و به تدریج دامنه فعالیت های خود را در این مسجد گسترش داد، بطوری که بعدها مسئولیت اکثر فعالیت های فرهنگی مسجد را بر دوش داشت، و نیز در احیای کتابخانه و سرپرستی کلاس های درس قرآن همت

[صفحه ۸]

کم نظیر به

خرج می داد. او به حق مدرس قرآن بود، در این عمر کوتاه و پر بارش، صدها شاگرد را در این مسجد قرآن آموخت. شور و شوق در این امر، تا آنجا بود که گاهی تا نیمه های شب، اوقاتش در کتاب خانه مسجد به تدریس و مطالعه می گذراند، به این امید که فرهنگ قرآن وحب اهل بیت معصومین (ع) را هر چه بیشتر در قلوب پاک بچه های معصوم جایگزین سازد. وی در سال ۵۵، ضمن پاسداری از حریم ولایت حضرت مهدی - علیه السلام - و افشای توطئه های صهیونیزم در ایران، دستگیر شده، و به مدت ۳۷ روز، در زندان کمیته، ناراحتی های جسمی و روحی فراوانی را متحمل گشت. سرافراز که از غربت امام زمانش می سوخت و تا حد توانش در تعلیم و تربیت افراد و سیراب کردن تشنگان راه ولایت، همت به خرج می داد، در سال ۵۸، به دنبال تاییدات مکرر مرجع عالیقدر و رهبر انقلاب اسلامی ایران، از سپاه پاسداران، و تاکید بر امام زمانی شدن این ارگان، به خدمت سپاه پاسداران درآمد و مسئولیت کلاس های ایدئولوژی پادگان ولی عصر (عج) را عهده دار شد، تا بتواند از این راه، با تعلیم و تربیت مستمر، سربازان خالصی برای امام زمان (عج) تربیت کرده و خود نیز توشه ای بر چیند. و آرامش خویش را در فرونشاندن عطش کسانی می دید که برای خدا، در راه پاسداری از انقلاب اسلامی گام نهاده شائقه و بدنبال رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی ایران راه می پیمودند. او این واقعیت را با حالتی دلسوزانه، این چنین ابراز می داشت: بچه

های سپاه واقعا تشنه اند و من برایشان کلاس گذاشته ام... رضا سرافراز در زمستان سال ۵۹، در حالی که قلبش از عشق امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آکنده، و در سنگر اسلام و پاسداری از انقلاب اسلامی مشغول فعالیت بود، به دنبال حادثه ای در پادگان ولی عصر (عج) به شرف شهادت نائل شد - هنیئا له - خدایش بیامرزد و با سرور شهیدان جهان محشورش گرداند.

[صفحه ۹]

## طلیعه

شکوه بزرگداشت میلاد آخرین گوهر تابناک، از خاندان رسالت، همه جا نمایان است، زیرا زاد روز مهدی، بازمانده خاندان برگزیدگان الهی است. طلوع خورشیدی است که پیامبران الهی نوید بر آمدنش را داده اند. آری، نیمه شعبان است: زنده کننده خاطره امید و انتظار و یادآور میعاد امتی راستین با پیشوای خود، و دمنده روح پایمردی و تلاش در مسیر او نیمه شعبان، نقطه عطف حیات امت شیعه است. حیاتی با دو حد، حدی که سراسر سختی بوده، اما پر امید، حماسه انتظار، و حد دیگر که حیات آفرین است و متحرک، حماسه ظهور. این چه روزی است؟

[صفحه ۱۰]

میلاد یگانه برافرازنده پرچم توحید و عدل در کران تا کران هستی. میلاد مهدی است، تجلی پیامبر اکرم در همه ابعاد خلق و خلق، و احیاء کننده جهان بینی توحید... تا همه در پیشگاه تنها یک خدا به سجده در افتند، و تنها یک دین را پذیرا شوند، و تنها یک رهبر را. آری، میلاد حجت بن الحسن (ع) است. او که وارث خلافت الهی است در زمین، و... خود هدایت شده الهی و هدایتگر جهان انسانی. امامی که بگاه ظهورش، امتیازات جاهلی از

بین می رود، و همه در حکومت عدل گستر او برادر و برابر خواهند زیست. و دیگر نه ستمی خواهد ماند و نه ستمگری و نه ستمکشی. و تمام عالم را پرهیزگاران راه خدا به ارث خواهند برد. از این رو بایسته است تا بکوشیم هر چه با شکوه تر، میلاد امام مهدی (ع) را بر پا کنیم. و از آنجا که شناخت امام یکی از بنیانهای اساسی اسلام است، شما را برای شناخت بیشتر به خواندن این نوشتار کوتاه فرا می خوانیم، تا اصالت این عقیده بر حق خود را بیان داریم، تا اگر در گذر زمان و تاریخ، با افرادی مواجه شدیم که در استواری این اعتقاد ترید کردند، و آن را خاطره ای ذهنی، و یا عارضه ای غیر اسلامی جلوه دادند، این مختصر راهنمایمان باشد.

[صفحه ۱۱]

## منجی و مبشران

از دورترین کرانه تاریخ، موضوع ظهور مصلح، یکی از اساسی ترین خطوط فکری بشر بوده، و از این رو، تاریخ انسان با آن پیوند خورده است. با تحقیقی گذرا در ادیان الهی، انتظار آینده بهتر، و آمدن یک منجی را در متن فرهنگ آنان می بینیم. به گونه ای که با فطرت و تعقل آنان، عجین گردیده است. و در این میان، هر چه دین کامل تر بوده، این انتظار را با تفصیل بیشتر بیان نموده است. پس... انتظار یک امید دیرین ادیان و جوامع انسانی است به آینده و کمال برتر.

[صفحه ۱۲]

در این بینش، انبیای بزرگ، بیشترین سهم و استوارترین تعهد را داشته اند. ابراهیم (ع)... موسی (ع)... عیسی (ع)... محمد (ص) آن را متذکر شده اند. و دیگرانی چون: بودا، زرتشت و... نیز

آن را یادآوری کرده اند، اما هر یک به گونه ای و طریقی. در این میان، انتظار اسلامی و بخصوص انتظار شیعه نگرشی ژرف تر و مسئولیت زاتر داشته است. اگر ادیان دیگر، منجی را برای قوم خود خواسته اند، اسلام آن را برای تمام عالم می داند. اگر آنان او را مبهم معرفی نموده اند، اسلام مصلح موعود را با تمام ویژگی هایش نمایانده است. اگر در فرهنگ آنها، امام در عالم دیگر و دور از مردم است، در اسلام، امام مهدی (ع) به میان مردم (بطور ناشناس) هم می آید [۱] و گاهی در امور به آنان کمک نیز می نماید. [۲] و بالاخره اگر ادیان دیگر، منتظران را بدون مسئولیت رها کرده باشند، در اسلام انتظار برترین عمل امت [۳] و مسئولیت آفرین تر و حماسه سازتر از هر تعهدی است. به هر حال هندوها او را برهمن کلا، زرتشتیان سوشیانس، یهودیان یوشع، مسیحیان مسیح و پسر انسان، [۴] و

[صفحه ۱۳]

بالاخره مسلمانان، منجی موعود را: مهدی (هدایت شده)، قائم (قیام کننده) و محمد (ستوده - همنام پیامبر (ص)) می نامند. اینک به نمونه ای از بشارات کتب ادیان دیگر در مورد مصلح آینده بشریت اشاره می کنیم تا سند زنده ای بر ادعای ما در انتظار مصلح باشد. در زبور حضرت داود (ع) آمده است: شریران منقطع خواهند شد، اما منتظران خداوند وارث زمین می گردند... [۵] صالحان، وارث زمین خواهند شد و در آن تا ابد سکونت خواهند گزید... [۶]... در زمان او صالحان خواهند شگفت، وفور و سلامتی خواهد بود... او حکمرانی خواهد کرد، از دریا تا دریا، و از

نهر تـا اقصای جهان... [۷] در انجیل متی می خوانیم: پس بیـدار باشـید، زیرا که نمی دانیـد در کـدام ساعت خداونـد شـما می آید... زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. [۸] در انجیل مرقس می بینیم: پس بیدار باشید، زیرا که نمی دانید در چه وقت صاحب خانه

[صفحه ۱۴]

می آیـد، در شـام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صـبح. مبادا ناگهان آمـده، شـما را خفته یابـد. [۹] و در کتاب اشـعیاء نبی: مسـکینان را به عـدالت داوری خواهـد کرد و بجهه مظلومـان زمین براستی حکم خواهـد نمود... [۱۰] کمر بنـد کمرش عدالت خواهد بود، [۱۱] و کمر بنـد میانش امانت، و گرگ با بره سـکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید، و گوساله و شـیر و پرواری با هم. و طفل کوچک آنها را خواهـد رانـد [۱۲] آنچه آوردیم، نمونه هـایی از بشـارات تورات و انجیل بود. [۱۳] در کتب ادیان دیگر، نیز بشارات زیادی که نویـد از ظهور مصـلحی در آینـده داده انـد، آمده است، و در این مورد کتبی نیز بنگـارش درآمـده که می توان بـدانها مراجعه نمود. [۱۴] البته هـدف مـا این نیست که بشـارات فـوق را برای ظهور مهـدی موعـود اسـلام تـوجیه کنیم، بلکه هـدف از آوردن این نمـونه هـا - همـانطور که قبلاـ هم گفـتیم - بیشـتر بخـاطر این است که بنمایانیم: انتظار فردای بهتر اگر چه مبهم و گنگ و بدون

[صفحه ۱۵]

تعهد و عمل در قبال آن، در سطور نوشته های ادیان قبل هم دیده می شود. آری جوامع و ادیان، سعی کرده اند با چشمداشت به آینده بهتر، و نوید آن

به پیروان خود، بذر امید و حیات را در دل آنان بیفشانند.

[صفحه ۱۷]

پاورقی

[۱] شیخ صدوق (۳۲۰ – ۳۸۱ ه)، کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ص ۳۵۱.

[۲] علامه طبرسی نوری (متوفی ۱۳۲۰ ه) النجم الثاقب، تهران، علمیه اسلامیه، در این کتاب این موضوع با نمونه های بسیار مطرح شده است.

[۳] علامه محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ ه)، بحار الانوار جلد ۵۲، باب ۲۲ (فضل انتظار الفرج)، حدیث ۲۱، صفحه. ۱۲۸ به نقل از کمال الدین از پیامبر اکرم (ص): افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عز و جل.

[۴] البته ما مسلمانان نیز طبق روایات اسلامی معتقد به برگشت حضرت مسیح هستیم، اما نه بعنوان قائم موعود بلکه او با قائم اسلام بیعت کرده و پشت سر او به نماز می ایستد.

[۵] تورات، مزامیر داود، مزمور ۳۷ آیه ۹، لندن، بیبل سوسایتی، دارالسلطنه لندن، ۱۹۵۴، ص ۸۵۶.

[۶] همان، آیه ۲۹ – ص ۸۵۷.

[۷] همان، مزمور ۷۲، آیات ۷ تا ۹، ص ۸۸۴.

[۸] عهد جدید (انجیل مقدس)، انجیل متی، باب ۲۴ آیه ۴۲، لندن، بیبل سوسایتی دارالسلطنه لندن، ۱۹۵۴، ص ۴۲ [با تورات چاپ شده].

[۹] همان، انجیل مرقس، باب ۱۳ آیات ۳۵ تا ۳۷، ص ۷۹.

[۱۰] تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب ۱۱ آیات ۴ تا ۷، ص ۱۰۲۱.

[۱۱] کنایه از نهایت عدالت و همه گیری آن است که در روایات اسلامی هم آمده.

[۱۲] تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب ۱۱، آیات ۵ تا ۸ (نشر).

[۱۳] تورات کتاب مذهبی یهودیان می باشد و ترکیبی است از ۳۹ کتاب، که در یک مجلد بنام عهد عتیق آمده اند. و انجیل از آن مسیحیان است.

آن نیز شامل ۴ انجیل و ۲۳ کتاب دیگر می باشد، که در یک مجلد به نام عهد جدید گرد آمده اند. انجیل و تورات مورد استفاده ما، هر دو در یک مجلد و به فارسی طبع شده اند.

[۱۴] از جمله دو کتاب: دکتر محمد صادقی، بشارات عهدین، تهران، دارالکتب الاسلامیه. محمد حسین بهشتی، ادیان و مهدویت، تهران، امیر (بخشی از کتاب).

## مهدی علیه السلام و مسلمانان

بدنبال اعتقاد ادیان دیگر به ظهور یک مصلح موعود، شایسته است عقیده مسلمانان را نیز در این مسئله بنگاریم. پایگاه شناخت امام و پیروی از او به درجه ایست که یکی از اصول اعتقادی اسلام، امامت بحساب آمده است، و با مراجعه به متون اصیل فرهنگ اسلامی، این مسئله به روشنی دیده می شود. کتب بسیاری از شیعه و سنی و دیگر فرق اسلامی، مقام اهل بیت پیامبر - علیهم السلام - را محترم دانسته، و بعضی، کتب مستقلی در اثبات امامت حضرت علی و یازده فرزند گرامیش (ع) از دیدگاه آیات و روایات نگاشته اند. [۱].

[صفحه ۱۸]

و اینک نمونه هائی از پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم -: آن حضرت در هنگامی که دو یادگار خود را در میان مسلمانان پس از مرگ خودش نام می برد، چنین می فرماید: انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی...: [۲] همانا در میان شما دو چیز ارزشمند به جای می نهم، کتاب خدا (=قرآن) و اهل بیتم (=علی و فاطمه و فرزندانشان) را. در جای دیگر می فرماید: مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح، من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق: [۳].

[صفحه ۱۹]

مثل خاندان من

در میان شما (مسلمانان)، چون کشتی نوحست، هر که به آن پناه برد، رستگار می شود. و هر آن که از آن روی برتابد، غرق می گردد. در جای دیگر مردن بدون شناخت امام را، مردن جاهلیت و کفر دانسته: من لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه: [۴] کسی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. با الهام از این گفتار، پی می بریم که از اساسی ترین وظایف ما در هر زمان، شناخت امام زمانمان می باشد. اکنون قبل از مراجعه به سخنان گهربار معصومین (ع)، نگرشی کوتاه بقرآن می کنیم تا اصالت مهدویت را ابتدا از کلام وحی بشنویم: یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه، اذله علی المومنین اعزه علی الکافرین: [۵] ای کسانی که ایمان آورده اید! هر که از شما از دین خود برگردد (با کی نیست)، پس زود است که خداوند در آینده قومی را بیاورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند. اینان با مومنین به فروتنی رفتار می کنند، و بر کافران سخت و نفوذ ناپذیرند. [۶].

[صفحه ۲۰]

در جای دیگر می فرماید: و ترید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین: [۷] و ما این گونه اراده کرده ایم که بر آنان که ضعیف گرفته شدند، منت گذارده، بانان پیشوایی و وراثت (زمین) را عطا کنیم. [۸] و نیز آنجا که وعده الهی، نوید پیروزی اسلام بر همه آئین ها را می دهد: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق

لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون: [۹] اوست (خدائی که) رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین او را بر تمامی آئین ها پیروز گرداند، اگر چه مشرکان را ناپسند آید. [۱۰] این آیات و بیش از یکصد آیه دیگر، [۱۱] گواهان این اعتقاد می باشند. این تاکیدات قرآنی، الهام بخش معصومین - علیهم السلام - بوده، و آنان در هر موقعیتی که مجال می یافته اند، آنرا یاد آور اصحاب و دیگر مسلمانان می شده اند. و از این جهت است که هنگام مراجعه به متون روایی و تاریخی اسلام، به صدها کتاب در

[صفحه ۲۱]

این زمینه بر می خوریم. [۱۲] و می بینیم آن قدر این مسئله آشکار و روشن بوده، که حتی قبل از میلاد مهدی (ع) نیز کتبی در شخصیت و امامت و غیبت او نگاشته شده است. اینک فهرست ده کتاب را که پیش از تولد حضرتش تا حدود یک قرن پس از میلاد او، تالیف شده به ترتیب تاریخ می نگاریم. توضیح این که کتب ذیل، فقط بخشی از کتابهای نگارش یافته در این زمینه، در این فاصله است: الغیبه از علی بن عمر اعرج کوفی (صحابی امام موسی (ع)) [۱۳] الغیبه از ابراهیم بن صالح انماطی (صحابی امام موسی (ع)) [۱۴] الغیبه از علی بن حسن طایی طاطری (صحابی امام موسی (ع)) [۱۵] الغیبه از حسن بن علی بن حمزه سالم (صحابی امام رضا (ع)) [۱۶] الغیبه از عباس بن هشام ناشری (صحابی امام جواد (ع) متوفی ۲۲۰ ه) [۱۷].

[صفحه ۲۲]

الغیبه از ابواسحاق ابراهیم نهاوندی (صحابی امام جواد (ع) و امام هادی (ع)

و امام عسکری (ع)) [۱۸] الغیبه از علی بن حسن بن فضـال (صـحابی امام جواد (ع) و امام هادی (ع) متوفی ۲۲۴ ه) [۱۹] الغیبه از فضـل بن شاذان نیشابوری (صـحابی امام عسـکری (ع)، متوفی ۲۶۰ ه) [۲۰] الغیبه از عبـدالله بن جعفر حمیری (صـحابی امام عسـکری (ع)، متوفی ۲۹۰ ه) [۲۱] الغیبه از محمـد بن ابراهیم نعمـانی (نگـارش کتاب حـدود سال ۳۴۰ ه) [۲۲] و برای اطلاع بیشتر از تعداد کتب آن عصر در این مورد می توان به کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه که کتاب پر ارجی در معرفی مولفات شیعه است، مراجعه نمـود. [۲۳] اینـک به نمونه ای از هزاران حـدیث مربوط به مهـدویت اشـاره می کنیم: پیـامبر اسـلام (ص) فرموده اند:

[صفحه ۲۳]

لا ـ تـذهب الـدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطی ء اسـمه اسـمی:... [۲۴] دنیـا پایـان نمی پـذیرد تا آنکه مردی از دودمان من مالک عرب شود، که همنام من است. و در جای دیگر رسول اکرم (ص) به علی (ع) چنین مژده می دهـد: یا علی! الائمه الراشدون المتهدون المعصومون من ولدك احد عشـر اماما و انت اولهم، و آخرهـم اسمه اسمی یخرج فیملا الارض عدلا کمـا ملئت جورا و ظلما: [۲۵] یا علی! پیشوایان هـدایتگر شـده معصوم، از فرزنـدان تو، یازده نفرند، و تو اولین آنها، و واپسـین آنها همنام من (محمد) است. او خروج (قیام) می کند و زمین را همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، سرشار از عدل و داد می کند. و حضرت امیر (ع) می فرماید: چون آن زمان (زمان ظلم و ستم) فرا رسد، آقای بزرگوار و

امام دین ظاهر شود و بر تخت سلطنت قرار گیرد، یاران او از هر طرف چون پاره های ابر (که در پائیز بهم می پیوندند) بدور او گرد آیند... [۲۶] در جای دیگر حضرت امیر (ع) او را آخرین بازمانده حجتهای پروردگار، و جانشین اوصیای انبیای الهی بشمار

[صفحه ۲۴]

می آورد. [۲۷] و این اعتقاد بقدری استوار است که منکر ظهور مهدی (ع)، منکر نبوت و رسالت پیغمبر اسلام (ص) معرفی می شود. بطوری که امام صادق (ع) می فرماید: من اقر بجمیع الائمه و جحد المهدی، کان کمن اقر بجمیع الانبیاء و حجد محمدا (ص) نبوته: [۲۸] هر کس تمام ائمه طاهرین را تصدیق نماید، اما منکر مهدی گردد مانند کسی است که به همه فرستادگان الهی ایمان آورد، اما نبوت محمد (ص) را منکر شود. همچنین در روایت دیگری از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - آمده است: من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد: [۲۹] هر کس خروج (قیام) مهدی (ع) را منکر شود، به آنچه بر محمد (ص) نازل شده، کافر گشته است. با دیدن نمونه های بیشمار دیگر که در مدت ۲۷۳ سال - از بعثت نبی اکرم (ص) تا وفات یازدهمین پیشوای شیعه - وارد شده است، و با در نظر گرفتن جلوگیری زیاد خلفای اموی و عباسی از پخش احادیث ائمه - علیهم السلام - پی می بریم که چه مجاهدت هایی در نگهداری این احادیث شده است. و این نیست مگر به خاطر اهمیت و ارزش موضوع مهدویت.

[صفحه ۲۵]

پاورقی

[۱] برای نمونه: خزاز قمی (قرن چهارم هجری)، کفایه الاثر. شیخ مفید

( متوفی ۴۱۳)، الارشاد، ابوجعفر طبری (قرن پنجم هجری)، دلائل الامامه. ابن شهرآشوب (متوفی ۵۸۸)، المناقب. علی بن عیسی اربلی (متوفی ۶۸۷) کشف الغمه. علامه حلی (متوفی ۷۲۶)، منهاج الکرامه. زین الدین بیاضی (متوفی ۸۷۷)، الصراط المستقیم. مقدس اردبیلی (متوفی ۹۹۳)، حدیقه الشیعه. قاضی نورالله شوشتری (متوفی ۱۰۱۹)، احقاق الحق - با ملحقات آیه الله العظمی مرعشی نجفی (دام ظله). شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴)، اثبات الهداه. محدث بحرانی (متوفی ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹)، غایه المرام. محمد تقی شریف (قرن سیزدهم)، صحیفه الابرار. میر حامد حسین (متوفی ۱۳۰۶)، عبقات الانوار. علامه شرف الدین (متوفی ۱۳۷۷)، المراجعات. علامه امینی (متوفی ۱۳۹۰)، الغدیر. محدث قمی (متوفی ۱۳۵۹)، منتهی الامال. همچنین کتابهای زیر، برخی از کتابهایی است که عالمان اهل سنت درباره مناقب اهل بیت علیهم السلام نوشته اند: سبط بن جوزی (متوفی ۶۵۴)، تذکره الخواص. ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵)، الفصول المهمه. شیخ مومن شبلنجی (قرن سیزدهم)، نورالابصار. حافظ قندوزی (متوفی ۱۲۹۴)، ینابیع الموده.

[۲] شیخ صدوق، کمال الدین...، ص ۲۳۹، این روایت، علاوه بر انبوه مدارک شیعی، در کتب دانشمندان اهل سنت نیز به تواتر نقل شده است. به نقل استاد جعفر سبحانی در کتاب رهبری امت (صفحه ۲۲۱)، علامه میر حامد حسین هندی، در کتاب ارزشمند عبقات الانوار - مجلد حدیث ثقلین، این حدیث را از ۵۰۲ کتاب اهل سنت روایت کرده است. مجلد حدیث ثقلین از عبقات الانوار در شش جزء در اصفهان به چاپ رسیده است. ناشر.

[۳] حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵)، المستدرک علی الصحیحین، جلد دوم، حیدر آباد، ص ۴۳۴ - و نیز، ابن حجر هیثمی مکی (متوفی ۹۷۴)، الصواعق المحرقه، نجف، ۱۳۸۷ ص ۱۱۱ –

این دو، از دانشمندان بزرگ تسنن می باشند. همچنین نجم الدین الشریف العسکری - رحمه الله علیه - در کتاب محمد و علی و حدیث الثقلین و حدیث السفینه که اسناد متعدد این دو روایت را از اهل سنت گرد آورده در صفحه ۱۳۶ این کتاب، به نقل از مناقب ابن مغازلی، سندی جالب توجه را که عبارت از خلفای بنی عباس - منتهی به عبدالله بن عباس باشد، از بشر بن فضل، از هارون الرشید، از مهدی عباسی، از منصور دوانقی، از پدرش، از جدش، و او از ابن عباس، حدیث را از پیغمبر (ص) نقل می کند - ناشر.

[۴] حافظ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم ج ۸، مصر، ص ۱۰۷.

[۵] قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۵۴.

[۶] بفرموده امام صادق (ع) این آیه در شان مهدی (ع) است. (غیبت نعمانی، ص ۳۱۶ - همچنین: المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه.

[۷] قرآن مجید، سوره قصص، آیه ۴.

[۸] بفرموده علی (ع) در شان مهدی است. (نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۰۰، ص ۱۱۱۷) همچنین: المحجه فیما نزل فی القائم الحجه - ذیل آیه. و: بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۵۴ و ۶۳.

[۹] قرآن مجید، سوره صف آیه ۹ و سوره توبه، آیه ۳۳.

[۱۰] بفرموده امام صادق (ع) در شان قائم است (بحار الانوار ج ۵۱) و (المحجه فیما نزل فی القائم الحجه - ذیل آیه).

[۱۱] بعنوان نمونه به دو کتاب زیر مراجعه کنید: علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ه) بحار الانوار، ج ۵۱، تهران، مکتبه الاسلامیه چاپ سوم، ۱۳۹۳ علامه سید هاشم بحرانی، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، تهران، مطبعه علی قلی خان قاجار

(متوفی ۱۱۰۷ ه)، ۱۲۷۰.

[۱۲] برای اطلاع بیشتر از نام و مشخصات این کتب به دو فهرست زیر مراجعه کنید: ۱ - مهدی منتظر را بشناسید، نوشته مهدی فقیه ایمانی، چاپ مسجد الهادی، اصفهان - حدود ۳۸۰ کتاب را نام برده. ۲- کتابنامه امام مهدی، صندوق پستی ۲۲۲۳ تهران، ۱۳۹۸، بیش از ۳۵۰ کتاب را نام برده.

[۱۳] احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰ ه)، رجال،... ص ۱۹۴.

[۱۴] شیخ محمد تقی تستری، قاموس الرجال، جلد سوم، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳.

[۱۵] همان، جلد ۶، ص ۴۵۲.

[۱۶] همان، جلد ۳، ص ۱۹۳.

[۱۷] احمد بن علی نجاشی، رجال، ص ۲۱۵.

[۱۸] شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ه)، الفهرست، نجف، حیدریه، چاپ ۳، سال ۱۳۸۰، ص ۲۹.

[۱۹] احمد بن علی نجاشی، رجال، ص ۱۸۱.

[۲۰] شیخ طوسی، الرجال،... ص ۴۲۰.

[۲۱] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، تهران، مکتبه الصدر، مقدمه.

[۲۲] محمد بن ابراهیم نعمانی (متوفی بعد از ۳۴۴ ه)، الغیبه، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ – به تصحیح علی اکبر غفاری.

[۲۳] شیخ آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۱۶، تهران ص ۷۴ تا ۸۴ - بخش کتب غیبت.

[۲۴] ابی داود سجستانی (متوفی ۲۷۵) سنن ابی داود، جلد ۲، مصر، مصطفی البابی، ص ۴۲۱ و حافظ ترمذی (متوفی ۲۷۹)، صحیح ترمذی، جلد ۹ ص ۷۴ - این دو از دانشمندان طراز اول سنی اند.

[۲۵] محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۹۲.

[۲۶] سید رضی (متوفی ۴۰۶ ه)، نهج البلاغه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، تهران، حدیث رقم ۱، ص. ۱۲۰۲ ابن ابی الحدید معتزلی (۵۸۶ - ۶۵۶)، شرح نهج البلاغه در ۲۰ جلد، تهران، اسمعیلیان، جلد ۱۹ ص ۱۰۵ - در اینجا وی

این اشاره را در مورد مهدی (ع) می داند.

[۲۷] ترجمه نهج البلاغه، ص ۵۹۷ انتهای خطبه. ۱۸۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۹۶ - آن را در مورد حضرت مهدی (ع) دانسته است.

[۲۸] شیخ صدوق، کمال الدین و... جلد دوم، ص ۳۳۳.

[۲۹] حموینی، فرائد السمطین - به نقل المهدی سید صدر الدین صدر، چاپ لبنان، صفحه ۲۸.

## مغرضان

در دهه های اخیر، به نوشته های اندکی - که اکثرا از خاورشناسان اروپائی است - بر می خوریم که مهدویت را موهوم پنداشته اند. اکثر این افراد، در برخورد با ادیان الهی، خواسته اند آنها را با بینش مادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و با عینک غیر معنوی به آنها بنگرند. متاسفانه، این بینش در مورد اسلام هم، تا حد زیادی مورد نظر بوده، بطوری که در مورد اعتقاد انتظار فرج، این نظر اعمال شده است. اینان معتقدند که این اعتقاد، باوری غیر راستین است، که پس از پیامبر اسلام، در میان مسلمانان - و آن هم توسط شیعیان - وارد شده است. و علت پدید آمدن آن نیز چیزی جز نابسامانی های تاریخ

[صفحه ۲۶]

تشیع و سختی های آنها در زمان خلفا نبوده است. آن گاه سعی کرده اند به طریقی آن را، یک اعتقاد وارداتی از سوی زرتشتیان و یهودیان و مسیحیان و ایرانیان در فرهنگ اسلامی بدانند. تکیه کلام آنها، بر سخنان بعضی از مسلمانان سنی است، که در گذشته احادیث مهدویت را قابل تردید دانسته اند. از معروفترین این خاورشناسان (و به اصطلاح بعضی از نویسندگان بی اطلاع ما، این اسلام شناسان!)، دارمستتر (نویسنده فرانسوی ظاهرا یهودی)، گلدزیهر،

مارگلی یوت و... می باشند. [۱] و چون دارمستتر بیش از افراد دیگر در این مورد بحث کرده، و ظاهرا سخنان او بزرگترین منبع افراد بعدی بوده، ما از او گفتاری را به عنوان نمونه می آوریم. وی در یکی از سخنرانی های خود به سال ۱۸۸۵ میلادی [۲] در مقابل اروپائیان چنین می گوید: این اعتقاد (ظهور مصلح)، که نخست در دیانت یهود! بوده و عیسویت را بوجود آورده است، فقط وقتی در دیانت یهودان و عیسویان بصورت نهائی در آمد، که تحت تاثیر اساطیر ایرانی واقع گردید. [۳] پیروان علی (ع) منتظر بودند که از اولاد علی (ع) در آینده یک نفر منجی برخیزد، زیرا که عترت پیغمبر به علی (ع) سپرده شده بود. [۴].

[صفحه ۲۷]

در جای دیگر پس از بیان عقیده کیسانیه در مورد نسبت دادن مهدویت به محمد بن خنفیه پسر حضرت علی (ع) چنین می گوید: این نخستین دفعه بود که یکی از افسانه های معروف ایرانی که در علم الاساطیر دیده می شود در اسلام داخل شد... [۵] اینک ما به بررسی این گونه نظرات می پردازیم:

۱ - رسالت شرق شناسان و مخصوصا اسلام شناسان غیر مسلمان در قرون اخیر، کم و بیش آشکار و شناخته شده است. صرف نظر از بعضی منصفین آنها، بقیه در برخورد با اسلام روش مادی اتخاذ کرده و کوشیده اند اسلام را به صورت مسخ شده، برای اروپا به ارمغان ببرند. و بقول نویسنده دانشمند کتاب الی مشیخه الازهر: اینان اکثرا با سوء نیت و سوء برداشت مقرون بوده اند، بعضی یا در خدمت استعمار بوده اند و یا شناخت محدودی داشته اند.

مسائل را بـدون تعمق در گفتار دنبال نموده انـد... و اثبات و نفی مسائل را بـدون سـنجش راستین و اسـتوار انجام داده اند. [۶] آری! تاریـخ سـده هـای اخیر اشـتباهات یـا خیـانت های آنان را بسـیار بیاد دارد و شاهـد این ادعا، کتاب هائی است که در رد اسـلام و قرآن نگاشته اند. حتی اخیرا قرآنی در آمریکا چاپ و منتشر شد که خیانت دشمنان را بیش از پیش آشکار کرد، ناشر در مقـدمه، قرآن را نوشـتاری از خود پیـامبر دانسـته و کلاـم وحی بودن آن را منکر شـده است. وی پیامبر اسـلام را با آن همه ملکات اخلاقی و انسانی سلطانی

[صفحه ۲۸]

مسـتبد معرفی نموده و بالاـخره بـا چاپ عکسـهای زننـده و منافی عفت، هتک حرمت قرآن را خواسـته است. [۷] حال بنگرید وقتی که قرآنی را، که از سـیزده قرن پیش تا کنون، به تعـداد مليونها عـدد اسـتنساخ و یا چاپ گردیده، این گونه چاپ کنند و این جرات را داشـته باشـند، مسلما در مورد عقاید اسلامی نیز بیکار نمی نشینند، و این سوء نیت را در مورد آنها هم اعمال می کنند. و بی شک این اغراض در مورد مهدویت نیز مطرح بوده و خواهد بود.

۲- زمـانی که دارمسـتتر مـامور پژوهش در این مسـئله (مهـدویت) شـد مـدتی بـود که محمـد احمـد سـودانی (۱۸۴۸ - ۱۸۸۵ میلاـدی) بـدروغ داعیه مهـدویت کرده، بـا حکومت انگلیس به نبرد پرداخته بود. وی بـا اسـتفاده از اعتقـاد مسـلمانان در مورد مهـدویت، خود را مهـدی خوانـد و در دو جنـگ که بـا ارتش انگلسـتان کرد، شـکست فاحشـی بر آنـان وارد ساخت و دولت گلادستون را به وحشت انداخت. [۸]

این وضع فوق العاده مردم اروپا را به کنجکاوی در زمینه مهدویت و مهدی واداشت. در این موقعیت، دولت انگلستان شتابزده دارمستتر را به کشورهای عربی فرستاد و او نیز متاسفانه تنها به یک مرجع تاریخی دست یافت و آن نیز تاریخ ابن خلدون بود. [۹] ابن خلدون – بطوری که بعد از این می خوانید – ظاهرا از

[صفحه ۲۹]

نویسندگان متقدم سنی است، که مهدویت را مورد شک قرار داده و نویسندگان بعدی، بیشتر از او پیروی کرده اند. و اما اگر از غرض ورزی دارمستتر در این ماموریت دولتی خود صرف نظر کنیم، دو مسئله را ناچاریم بپذیریم. اول: شتابزدگی و تنگی وقت او در این مطالعه. دوم: دست نیافتن به متون اصیل اعتقادی و روایی اسلام در این زمینه. از این رو وضع چنین تحقیقی!، خود پیدا است که چگونه خواهد بود و حق در اینجا، همان سخن عالم اسلامی است، که در چند صفحه پیش آوردیم، در اینکه به این تحقیق! نام مطالعه ای سطحی و شتابزده دهیم. و دیگر محققانه تر! کار افرادی چون گلدزیهر، مارگلی یوت و... است، که سالها بعد بدین کار پرداخته اند و ظاهرا یا از او الهام گرفته اند و یا از ابن خلدون. [۱۰].

۳- اما در مورد مرجع مطالعه دارمستتر و دیگران، یعنی مقدمه تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون اندلسی (۷۳۲ – ۸۰۸) از مورخین سنی است که ۲۰ صفحه از کتاب مقدمه خود را تحت عنوان داستان مرد فاطمی به بحث در مورد بعضی از احادیث مهدویت اختصاص داده و آنها را به گونه ای سطحی مورد ایراد و توجیه قرار داده است. [۱۱].

[صفحه

ما سخن ابن خلدون را در چند فراز کوتاه مورد بررسی قرار می دهیم:

فراز اول:

با توجه بعنوان بحث ابن خلدون (داستان این مرد فاطمی) و سطور اول این نوشته، دقیقا نمی توان فهمید که نظر ابن خلدون، رد مهدویت در اسلام باشد، ترجمه گفتار او در اولین صفحه این بحث، چنین است: بدان که مشهور میان تمامی ملت اسلام در طی تاریخ، این است که باید در آخر الزمان، مردی از اهل بیت پیغمبر (ص) ظهور و دین اسلام را تایید کند، و عدل عمومی را آشکار نماید، و مسلمانان پیرو او شوند، و او بر ممالک اسلام مسلط شود. او مهدی نامیده شده است. و این نشان می دهد که او اصالت شکلی از مهدویت را پذیرفته و البته آن را مبهم بیان کرده است.

فراز دوم:

ابن خلدون از سنیان اندلسی بوده، که در مصر زندگی می کرده و با خلفای فاطمی مصر که شیعه بوده اند، میانه خوبی نداشته است، از این رو سعی او بر این بوده که سر دودمان آنان یعنی المهدی بالله را غیر از مهدی موعود اسلام بداند. بدین علت که پیروان وی (المهدی بالله) به نادانی نسبت قائمیت به او داده بودند، او علیه حکام سنی شمال آفریقا که از طایفه اغلبیان بودند قیام کرد و

[صفحه ۳۱]

شهری را بنام مهدیه بنا نهاد. [۱۲] و کوشش ابن خلدون بیشتر در جهت تخطئه او است، نه مهدی اسلام. [۱۳].

فراز سوم:

اگر نظر ابن خلدون را رد کردن مهدی در اسلام بدانیم، این اشکال به نظر وی دارد است که احادیث مربوط به مهدویت بحد تواتر رسیده، تردید کردن در مورد آنها بسادگی

ممکن نیست. و این امر را بزرگانی چون احمد زینی دحلان مفتی مکه و دانشمند سنی عربستان پذیرفته اند. وی می گوید: احادیثی که از مهدی (ع) در آن سخن رفته بسیار زیاد و متواتر است... [۱۴].

فراز چهارم:

چون مسئله مهدویت، مسئله ای اسلامی است، ناچار باید از دیدگاههای مختلف، یعنی از طریق شیعه و سنی مورد بررسی قرار گیرد. اما ابن خلدون تنها چند حدیث سنی را مورد نقد قرار داده، غافل از اینکه شیعیان دهها برابر اهل سنت در این باره حدیث دارند و ابن خلدون در اینجا چون نمی توانسته آنها را رد کند، راویان آنها را

[صفحه ۳۲]

به جرم شیعه بودن مردود دانسته است. و این تعصب از شخصی چون ابن خلدون، که یک مورخ به اصطلاح بی طرف باید باشد، انتظار نمی رود. وی در جائی از همین بحث می گوید: احادیث قطن را ترک کردم بخاطر فساد مذهبش، (که شیعه بوده)... [۱۵] در جای دیگر در مورد علت رد هارون گوید: هارون از اولاد شیعیان بوده است [۱۶] و جای دیگر در مورد عبدالرزاق همام: احادیثی در فضیلت اهل بیت نقل کرده و مشهور به تشیع است [۱۷].

فراز پنجم:

بزرگانی از اهل سنت، قبل از ابن خلدون - و یا همزمان و بعد از او - مهدویت را پذیرفته اند که یا از ابن خلدون برتر بوده اند و یا در سطح او، و از این رو سخن ابن خلدون یا از روی غرض بوده یا ناآگاهی، و ما در اینجا نام بعضی از این بزرگان را می آوریم:

۱- احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ ه) - پیشوای حنبلی ها - در جلد

اول مسند خود.

۲- محمد بن اسمعیل بخاری (متوفی ۲۵۶ ه) از پیشوایان اهل سنت در جلد چهارم کتاب صحیح خود، باب نزول عیسی.

۳- مسلم نیشابوری (متوفی ۲۶۱ ه) - در کتاب صحیح خود، جلد ۸.

[صفحه ۳۳]

۴- حافظ ابوداود سجستانی (متوفی ۲۷۵ ه) در کتاب صحیح خود جلد ۲ صفحه ۴۲۰) چاپ مصر سال ۱۳۷۱.

۵- محمد بن عیسی ترمذی (متوفی ۲۷۹ ه) - در صحیح خود جلد ۹.

۶- محمد بن یزید ابن ماجه قزوینی (متوفی ۲۷۹ ه) در سنن خود جلد ۲ باب خروج المهدی.

۷- محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ صاحب تفسیر و تاریخ طبری - در کتاب حدیث الولایه.

۸- علی بن حسین مسعودی (متوفی ۱۳۴۶ ه)، مورخ شهیر - در کتاب مروج الذهب خود در جلد چهارم.

۹- حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵)- محدث بزرگ اهل تسنن در کتاب مستدرک صحیحین خود.

۱۰- محیی الدین عربی (متوفی ۶۳۷)- در کتاب معروف خود بنام فتوحات مکیه. و بسیاری دیگر از راویان احادیث و مورخین مشهور سنی که ما از ذکر نام آنها خودداری می کنیم. [۱۸].

فراز ششم:

بزرگانی از اهل سنت، در کتب خود گفتار ابن خلدون را بیهوده و سست بنیان دانسته، و آن را مردود شناخته اند. برای نمونه دو شاهد را در ذیل نام می بریم:

[صفحه ۳۴]

سخن شیخ منصور علی ناصف، استاد برجسته جامع الازهر مصر که گفته است: احادیث مهدی را گروهی از بزرگان صحابه روایت کرده اند و محدثان بزرگ ما مانند ابوداود، ترمذی... و امام احمد حنبل و حاکم - رضی الله عنهم اجمعین - در کتب خود نگاشته اند... کسانی که تمام احادیث مهدی موعود را ضعیف دانسته اند، چون ابن خلدون

و غیره، راه خطا پوییده انـد و اینکه ابن خلـدون گفته در احادیث مهـدی آمـده که: مهـدی کسـی جز عیسـی بن مریم نیسـت حـدیثی ضـعیف است. چنـانچه بیهقی و حـاکم نیشابوری و... تصـریح کرده انـد. [۱۹] رسـاله ای کـه اخیرا مرکز رابطه العـالم الاسـلامی عربستان - که کشوری تحت نفوذ وهابیان می باشد - چاپ کرده مهدویت را در اسلام اصلی اساسی و انکار ناپذیر قلمداد نموده است. با توجه به اینکه این گروه، از مخالفان شیعه می باشند، این اقرار آنها و مردود شناختن عقاید ابن خلدون از جانب آنان جالب توجه است. و اینک ترجمه بخشـهائی از آنرا می آوریم: مهـدی موعود منتظر... بهنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و سـتم ظهور می کنـد و جهان را مالامال از عـدل و داد می نماید... او آخرین نفر از خلفای راشدین دوازده گانه است... احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه

[صفحه ۳۵]

پیـامبر (ص) نقـل کرده انـد از جمله: عثمـان بن غفـان، علی بن ابی طـالب، طلحه بن عبیـدالله، و... هم احادیث بالا که از پیامبر (ص) نقـل شـده و هم گواهی صـحابه.. در بسـیاری از کتب معروف... آمـده، از جمله: سـنن ابوداود، سـنن ترمـذی، سـنن ابن ماجه... و همانا بسـیاری تصریح کرده اند که احادیث راجع به مهدی متواتر است..... تنها ابن خلدون است که خواسته احادیث مربـوط به مهـدی را بـا حـدیث مجهولی که می گویـد: مهـدی کسـی جز عیسـی نیست مورد ایراد قرار دهـد، ولی پیشوایـان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند، بنابر این اعتقاد به ظهور مهدی واجب است و این جزء عقاید اهل سنت

و جماعت است و غیر از افراد بی خبر و نادان یا بدعتگذار آن را منکر نمی شوند. [۲۰] با در نظر گرفتن شش فراز بالا می بینیم که سخن ابن خلدون غیر از غرض و یا حد اکثر ناآگاهی کامل او را نمی رساند. [۲۱] چنانکه گفتیم، این مستشرقین و یا اسلام شناسان عقیده مندند که فکر مهدویت، یک عقیده وارداتی است که پس از پیامبر اسلام، توسط ایرانیان یا دیگران در فرهنگ اسلام وارد شده و تصوری ذهنی و عارضی بیش نبوده است. در صورتی که ما در بخش معتقدان به مهدویت - چنانکه

[صفحه ۳۶]

گذشت - آیات و روایاتی آوردیم و نشان دادیم که این عقیده در صدر اسلام و آن هم از کلام وحی بوده است، نه عارضه ای تاریخی و پس از فوت پیامبر (ص). اینک دو آیه دیگر از قرآن می آوریم، که این مسئله از ابتداء نیز از کلام الهی بوده و هیچ قوم خاصی آن را به اسلام نداده اند. قبلا بشارتی از زبور داود (ع) در مورد صالحان که میراث بران زمین خواهند شد، آوردیم اینک آیه ای از قرآن بر تایید آن می آوریم: و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون: [۲۲] بدرستی که ما در زبور، بدنبال تذکری قبلی (تورات) نگاشتیم، که بندگان نیکوکار و صالح من، زمین را به ارث می برند. در جای دیگر به مومنین چنین نوید می دهد: وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد

خوفهم امنا... [۲۳] این وعـده الهی است به آنان که ایمان آورده و اعمال شایسـته پیش گیرنـد،ماننـد امتهای پیشـین، آنان نیز وارثان و خلفای زمین می شونـد. و دین آنان که مورد خشـنودی خـدا است، جهانگیر، و ترسـشان در انتها به امن و امان تبدیل می شود. با توجه به دو نمونه آیات فوق روشن می شود که عقیده مهدویت از بیرون در اسلام رخنه نکرده است و علت مطرح شدن این عقیده در سایر ادیان جز این نیست که: همان گونه که اصول عقاید در بین ادیان مختلف، مشترک

[صفحه ۳۷]

بوده است، ماننـد خداشناسـی، توحیـد، نبوت، معاد و عـدالت و... این اعتقاد انتظار آینـده بهتر و آمدن یک منجی الهی نیز بین آنهـا مورد اتفـاق بوده، بـا این تفـاوت که چون اسـلام آخرین دین است. ویژگیهای منجی و مصـلح موعود را بهتر بیان داشـته است.

[صفحه ۳۹]

پاورقی

[۱] ناصر الدین الزمانی، دیباچه ای بر رهبری ص ۲۰۰ - ۱۰۶ - ۱۰۳.

[۲] متن سـخنرانی دارمسـتتر بصورت کتاب مسـتقلی چاپ شـده و به فارسـی نیز ترجمه شده با این مشـخصات: مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، ترجمه محسن جهانسوز، تهران، کتاب فروشی ادب، ۱۳۱۷.

[۳] مهدی دارمستتر ص ۶.

[۴] مهدی دارمستتر ص ۱۸.

[۵] مهدی دارمستتر ص ۲۱.

[۶] عبدالله سبیتی، الی مشـیخه الازهر، بغداد، دار الحدیث، ۱۳۷۵ ه (۱۹۵۶ میلادی)، ص ۹۵ - کتاب رد بر شـکاکین مهدویت است.

[۷] مجله مکتب اسلام، سال ۱۷، شماره ۵، ص ۶۹.

[۸] مهدی دارمستتر - و ادیان و مهدویت (از محمد بهشتی) ص ۷۵.

[۹] مهدی دارمستتر - ص ۱۸.

[۱۰] دیباچه ای بر رهبری، استنباط از ص ۲۰۱ پاورقی: گلدزیهر در سال ۱۹۰۸ و

مارگلی یوت به سال ۱۹۱۵ وارد این کار شدند و هر دو بعد از دارمستتر بوده اند.

[۱۱] عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ چهارم،... ص ۳۱۱ تا ۳۳۰ (متوفی ۸۰۸).

[۱۲] فاطمیین شیعی مصر از خانـدان علی (ع) بودنـد، که از ۲۹۶ تا ۵۶۷ هجری در مصـر و شـمال آفریقا فرمانروایی داشـتند. المهـدی بالله یکی از حکام این سلسـله بود، که علیه اغلبیان سـنی، که قبلا آنجا بودنـد، قیام نمود و پس از چند سال جنگ، به سال ۳۰۳ پیروز، و شـهر مهـدیه را - کـه حـالت جزیره ای داشـت - بنـا نهـاد. برای اطلاـع کامـل از تاریـخ فـاطمیین مصـر - و مخصوصا المهدی بالله - می توانید به کتاب الکامل فی التاریخ ابن اثیر مراجعه کنید: ج ۸ ص ۲۴ تا ۷۱ - ۵۲ و ۹۴ - ۸۹ - ۷۲ و ۹۵.

[۱۳] در این مورد علاـوه بر متن مقـدمه، نظر آقـای علی دوانی را نیز از کتـاب دانشـمندان عـامه و مهـدی موعود ص ۳۵ مورد استفاده قرار داده ایم.

[۱۴] احمد زینی دحلان، الفتوحات الاسلامیه، مکه، جلد دوم، ص ۲۵۰.

[۱۵] ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۳.

[۱۶] ابن خلدون، مقدمه، ص ۳۱۴.

[۱۷] ابن خلدون، مقدمه، ص ۳۲۰.

[۱۸] علاقمندان برای اطلاع بیشتر می توانند به کتاب دانشـمندان عامه نوشـته علی دوانی، تهران، ۱۳۵۳... مراجعه کنند، که در آن حدود ۱۲۰ نفر از علمای تسنن را که در موضوع مهدویت یا کتابی مستقل نوشته اند و یا حدیثی آورده اند، نام می برد.

[۱۹] شیخ منصور علی ناصف، التاج لجامع الاصول، جلد پنجم، باب هفتم ص ۳۴۱.

[۲۰] مجله مکتب اسلام، سال ۱۷، شماره ۷، ص ۷ تا ۱۵.

[۲۱]

برای بررسی بهتر سخنان ابن خلدون و اشکالات آن به کتابهای زیر نیز می توان مراجعه نمود: ۱ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، از احمد محمد صدیق، دمشق ۱۳۴۷ ق. ۲- ابراز الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون، ابوالعباس عربی.

[۲۲] قرآن مجید، سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ (این آیه در مورد امام قائم هم تعبیر شده).

[۲۳] قرآن مجید، سوره نور، آیه ۵۴ (این آیه نیز در مورد امام قائم هم تعبیر شده).

## طلوع خورشید

خورشید وجود حضرت مهدی (ع) در پگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه از منزل امام حسن عسکری (ع) درخشیدن نمود، و به انتظار چشم به راهان خود، پس از گذشت قرنها، پایان داد. نام او نام پیامبر، و کنیه او نیز کنیه حضرت رسول ابوالقاسم و شبیه ترین فرد به او بود. مادر حضرت مهدی (ع) شاهدختی رومی به نام نرجس بود، [۱] که سعادت مادری چنین امامی نصیبش شد. ولی از آنجا که آوازه عدل گستری مهدی (ع) و نابود شدن



کاخهای ظلم بدست با کفایتش همه جا پیچیده بود، حکومت عباسی در جستجوی حضرتش بود، تا با کشتن او، این رسالت را ناتمام گذارد. از این روی امام یازدهم فرزندش مهدی (ع) را پنهان می داشت تا از چشم ناپاکان بدور باشد و از خطرات محفوظ. به سال ۲۶۰ هجری که امام حسن عسکری (ع) به شهادت رسید امام مهدی (ع) بر جنازه پدر نماز گزارد و پس از آن ناپدید گردید. این غیبت تا ۶۹ سال بعد ادامه یافت که آن را به غیبت صغری تعبیر می نمایند. در این مدت، امام تنها با چهار مرد متقی

و مجاهد بزرگوار که نایبان خاص او بودند در تماس بود. [۲] پس از فوت چهارمین نایب خاص، باب نیابت خاصه بسته شد و غیبت طولانی حضرت بقیه الله آغاز گردید. از آن به بعد امور مردم به عهده نایبان عام سپرده شد و آنان بار سنگین اداره امور شیعیان و حفظ و حراست فرهنگ اصیل و غنی شیعی را بر دوش گرفتند. از آنجا که قبلا هم گفتیم شناخت امام از ضروری ترین مسائل عقیدتی ما می باشد، بد نیست با بعضی از ویژگیهای حضرت بقیه الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف، آشنا شویم.

[صفحه ۴۱]

در مورد خصوصیات حضرت مهدی (ع) روایات زیادی در گفتار معصومین آمده و حتی از گفتن خصوصیات ظاهری او نیز فروگذار نشده است. [۳] و اینک با نمونه ای از این روایات آشنا می شویم: پیامبر اسلام فرموده اند: المهدی من عترتی من ولد فاطمه: [۴] مهدی از دودمان من، از فرزندان فاطمه است. و در جای دیگر می فرماید: پیشوایان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنان از نسل حسین (ع) می باشند و مهدی از آنهاست. [۵] در مورد غیبت های کوتاه و طولانی امام می خوانید که: للقائم غیبتان، احداهما طویله و الاخری قصیره: [۶] برای قائم دو غیبت است، یکی بلند مدت و دیگری کوتاه مدت است. در مورد قیام قائم (ع) آمده که: لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم، حتی یبعث فیه رجلا من ولدی یواطی ء اسمه اسمی یملاها عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا: [۷] اگر از عمر جهان، بیش از یک روز باقی

نمانده باشد، خداوند آنرا

[صفحه ۴۲]

چنان طولانی می گرداند، تا مردی از خاندانم برانگیخته گردد که نامش همنام من (محمد) است، او گیتی را سرشار از عدل و داد کنـد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شـده باشـد. نظیر همین حـدیث - بـا کمی اختلاف - در مواضع دیگر، بسیار آمـده است. [۸] در جـای دیگر از علی (ع) می خـوانیم کـه وضـع زمـان ظهـور را چنین مجسم می نمایـد: [۹] و حـاکمی که از نـوع پاشاهـان نیست، آنـان را - ظالمـان را - برای اعمال خلافشان بازخواست می کنـد، زمین پاره های جگرش (معادن) را برای او بیرون می ریزد و کلید (اسـرار) خود را بدو تسـلیم می کند، پس بشـما روشن زمامداری – به عدل - را نشان می دهد. و آنچه را که از کتاب و سـنت متروک و فراموش شده زنده می نماید. [۱۰] آری قائم تجلی پیامبر اسـلام است در تمام ابعاد خلقت و اخلاق، [۱۱] و تازه کننـده اسـلام پیامبر [۱۲] در تمـام گیتی از شـرق و غرب. [۱۳] بگـاه ظهور، بیعت هیـچ کس در گردنش نیست. [۱۴] در سایه

[صفحه ۴۳]

حکومت عـادله او، اموال به تسـاوی میان مردم تقسـیم می شود [۱۵] و زمین همه معـادنش را در اختیـار او می نهـد. [۱۶] قیام مهـدی قیـامی است به تمـام معنی الهی و در همه ابعـاد انسـانی اعتقـادی و فرهنگی و اجتمـاعی آن. تفـاوت انقلاب او با دیگر انقلابات جوامع، در این است که آنچه را آنان در جهت گیری بعنوان هدف مطرح می کنند، در اینجا وسـیله ای بیش نیست و هدف برتر از آنست. اگر هدف

آن قیامها اقتصاد برتر یا دموکراسی بیشتر است، در اینجا تمام این خواسته ها وسیله ای بیش نیست. در قیام مهدی (ع) هدف نجات انسان است از خود و مانند خود و پرواز او بسوی الله. آری در قیام قائم موعود اسلام، هدف یکی است: خدا و حرکت یک جهت دارد: بسوی خدا و رهبری نیز یکی: رهبری اسلام که همان تسلیم محض است در مقابل تنها یک خدا، و آزادی محض است از قید و بند غیر خدا.

[صفحه ۴۵]

پاورقی

[۱] شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ه)، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی، ج ۲، تهران، علیمه اسلامیه، باب. ۳۵ و نیز ابن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵ ه)، الفصول المهمه، تهران، افست انتشارات اعلمی، ص ۲۹۲.

[۲] اسامی این چهار بزرگوار: عثمان بن سعید عمروی، ابوجعفر محمد بن عثمان، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سیمری. اینان پاکترین، پرهیزگارترین و عالم ترین مردم زمان خود بوده اند که به افتخار نیابت خاص امام (ع) برگزیده شده اند برای اطلاع از احوالات این بزرگان می توان به دو مرجع زیر رجوع کرد:

۱ - الغیبه، نوشته شیخ طوسی، نجف، ص ۲۱۵ تا ۲۴۵.

۲- تاریخ الغیبه الصغری، سید محمد صدر، نجف، نیمه دوم کتاب.

[۳] لطف الله صافی، منتخب الاثر، تهران، مکتبه الصدر، ص ۱۸۵ تا ۱۹۰.

[۴] ابی داود سجستانی، سنن ابی داود، مصر، انتشارات مصطفی البابی الحلبی، جلد ۲، ص. ۴۲۱ ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، جلد ۲، باب خروج المهدی. علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد۵۱ ص ۷۵.

[۵] لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۶: از رسول اکرم (ص): الائمه بعدی اثنا عشر، تسعه من صلب الحسین و

المهدی منهم.

[۶] محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۰، روایت امام صادق – علیه السلام –.

[۷] شیخ مفید، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی، جلد دوم، باب ۳۵، صفحه ۳۲۴، روایت از پیامبر اکرم (ص) است.

[۸] احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ ه) مسند حنبل، جلد ۱، بیروت، دار صادر، ص. ۹۹ ابن داود سجستانی، سنن ابی داود، جلد دوم،... ص. ۴۲۱ همچنین به جلد سیزدهم ملحقات احقاق الحق از آیه الله العظمی مرعشی نجفی، صفحات ۱۷۱ تا ۱۹۱ مراجعه کنید.

[۹] ترجمه نهج البلاغه، از فیض الاسلام، ص ۴۲۴ خطبه ۱۳۸.

[۱۰] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، جلد ۹، ص ۴۰ – در اینجا این عبارت علی (ع) را در مورد مهدی (ع) دانسته.

[۱۱] شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۲۸۶ – قال رسول الله (ص): المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی اشبه الناس بی خلقا و خلقا.

[۱۲] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۲.

[۱۳] شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۲۸۲.

[۱۴] محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹ ه)، الاصول من الکافی جلد ۱، (تهران، دار الکتب الاسلامیه) کتاب الحجه، باب فی الغیبه. و نیز: شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، جلد ۶ ص ۴۳۶. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۱، حدیثهای ۴۵ و ۴۶.

[۱۵] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص. ۸۴ احمد بن حنبل، مسند حنبل، ج ۳، ص ۳۸.

[۱۶] شیخ مفید، الارشاد، ترجمه رسولی، باب ۳۵.

## منتظران

از مسائل مهمی که در نقش اعتقاد به ظهور مهدی (ع) مطرح است، سازندگی و حرکت آفرینی آنست که متاسفانه کمتر مورد توجه بوده و بعضی عوام از آن برداشت غلط نموده اند. و اینک ما به

اختصار در این مورد نمونه هائی می نگاریم: در بررسی سریعی از متن هزاران حدیث اسلامی در این زمینه، بدین موضوع بر می خوریم که انتظار بزرگترین عامل حرکت و کمال و بقای جامعه و فرهنگ اسلام می تواند باشد. دوران انتظار دوران آماده شدن منتظران، برای قیام نهائی حضرت مهدی (ع) است و منتظران واقعی، بس والاـ مقام اند و انتظار، از برترین اعمال، که پیامبر (ص) فرمودند:

[صفحه ۴۶]

افضل العباده انتظار الفرج: [۱] برترین عبادت انتظار فرج است. و در این منطق حماسه آفرین امام صادق (ع) از پدرانش (ع): منتظر چون شهیدی در خون خود غوطه ور است. [۲] و در این گفتار امام سجاد (ع) از این نیز برتر است که: من ثبت علی موالاتنا]ولایتنا[فی غیبه قائمنا اعطاه الله عز و جل اجر الف شهید من شهداء بدر و احد: [۳] هر کس تحت ولایت (و رهبری) ما ائمه در زمان غیبت قائم ما باشد، خداوند پاداش هزار شهید نبرد بدر و احد را به او عنایت می فرماید. شهید؟ آری. بلی، شهید پاکباخته ترین دلبستگی به معبود یکتا را نشان داده و با خونش نهال دین را آبیاری نموده است. از این رو حیات جاوید می یابد. [۴] و منتظر باید پاک ترین و بی آلایش ترین قدمها را با نهایت مجاهدت در راه ولی خود بردارد تا بهنگام مرگ چون شهیدی باشد. در مورد سختیهای راه انتظار علی (ع) می فرماید: [۵] در آن فتنه ها (فتنه های زمان غیبت) گروهی صیقلی می شوند، مانند صیقل دادن شمشیر. [۶].

[صفحه ۴۷]

از این روست که منتظرین را معصوم (ع) چون شمشیر برنده

می داند. [۷] بلی منتظر چون مهاجری در زمان است، و هدف او رسیدن به زمان ظهور مهدی است. و در این تلاش از هیچ چیز نمی هراسد و براه خود می رود، اگر چه کندن کوه باشد. زیرا پیامبر اسلام پوییدن این راه را از کندن کوهها دشوارتر دانسته اند. [۸] و اگر می بینیم مسلمانان، مخصوصا شیعیان پس از چهارده قرن تاریخ، هنوز پا برجا بوده، و در راه دفاع از حریم اسلام مقاوم هستند، و بلکه بزرگترین عامل آن همین انتظار متعهد و حرکت آفرین بوده است. مسئله حماسه آفرینی انتظار در تاریخ اسلام، نمونه های بسیار داشته و موجب الهامات بسیاری از مبارزین و یا مصلحین بوده است. این مبارزات یا بطریق ایدئولوژیکی و عقیدتی بوده یا بطریق جهاد. ابن بطوطه در سفرنامه خود نمونه مجسمی از این الهام را که در شهر حله دیده چنین وصف می کند: در نزدیکی بازار شهر مسجدی است که بر در آن، پرده حریری آویزان است. و آنجا را مسجد صاحب الزمان می خوانند. شبها پس از نماز صد مرد مسلح، با شمشیرهای آویخته... اسبی یا استری می گیرند و بسوی مسجد صاحب زمان روانه می شوند. پیشاپیش این چار پا طبل و شیپور و بوق زده می شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می کنند. و چون

[صفحه ۴۸]

به مشهد صاحب الزمان می رسند، در برابر در ایستاده آواز می دهند که بسم الله ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که بر آئی، تا خدا به وسیله تو

حق را از باطل جدا کند... [۹] آری، این خود یک نوع جهت گیری و اعتراض به وضع موجود بوده، که با استمداد از امام مهدی (ع) همراه بوده است. دوران مهدی - همان گونه که قبلا در بشارت قرانی دیدیم - دوران افراد صالح است. و در این مسیر باید بکوشیم خود و مردم جامعه مان را در زمره این گروه در آوریم تا امر فرج مصلح هر چه زودتر فرا رسد. و در این سازندگی، تاخیر کار اشتباهی است، زیرا که پیامبر گرامی اسلام فرموده اند: امر فرج حضرتش یکشبه اصلاح می گردد. [۱۰] حال که زمان امر فرج بدین کمی است، از دست دادن وقت جایز نیست. و ناراحت نباشیم، که در راه اصلاح خود و ساختن اجتماع صالح برای نزدیک شدن زمان ظهور، اگر بمیریم و آن وقت را درک نکنیم، اشکالی ندارد، زیرا شناختن این مورد تابع زمان نیست و شخصی که با شناخت واقعی امام بمیرد، گویی در زمان او بوده و فرج حضرتش را درک نموده است. [۱۱].

[صفحه ۴۹]

پاورقی

[۱] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۵.

[۲] شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص. ۳۲۶ المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله.

[۳] همان کتاب، ص ۳۲۳.

[۴] قرآن مجید، سوره آل عمران، آیه ۱۶۹: و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون: شهیدان راه خدا را مرده می دارید، که آنان حیات ابدی یافته اند، و نزد پروردگار خود متنعمند.

[۵] نهج البلاغه،......، ص ۴۵۶، خطبه ۱۵۰.

[۶] ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۲۶ - این عبارت علی (ع) را

در مورد یاران و منتظران مهدی (ع) دانسته.

[۷] خواجه کلان قندوزی (سنی و متوفی ۱۲۹۴ ه)، ینابیع الموده، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۴۸۹.

[۸] علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۲۲ - از خصال شیخ صدوق،... مزاوله قلع الجبال ایسر من مزاوله ملک موجل.

[۹] ابن بطوطه، سفرنامه، ص ۲۱۳ (ترجمه)،... به نقل از کتاب: در فجر ساحل، نوشته محمد حکیمی.

[۱۰] احمد بن حنبل، مسند حنبل، ج ۱ ص ۸۴. ابن ماجه قزوینی،... ابن ماجه، ج ۲... باب خروج المهدی: المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فی لیله.

[۱۱] محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی (عربی). ج ۱، ص ۳۷۱.

## کژ اندیشان

گاهی در کتابها و نظرات بعضی از افراد می بینیم که آنان مهدویت را بدین صورت می پذیرند که هر شخصی می تواند مهدی باشد و لزومی ندارد شخص معینی مانند حجت بن الحسن العسکری باشد. این سخن در نوشته بعضی از مستشرقین و بعضی از نویسندگان سنی آمده است که اگر نوعی انکار مهدویت نباشد، نوعی بی عنایتی به این همه احادیث معصومین (ع) می باشد. اینان معتقدند که مهدی لازم نیست حتما از دودمان پیامبر و فرزندان علی (ع) و فاطمه (ع) باشد. و چه احتیاج است که متولد سال ۲۵۵ ه و فرزند بلا فصل امام عسکری باشد؟ می گویند: آیا نمی شود مهدی یکی از مصلحین تاریخ

[صفحه ۵۰]

باشد که از بطن جامعه امروز یا فردا بپاخیزد و جهان را از ظلم و بیداد برهاند و عدل برقرار سازد؟ برای نمونه سخنی از دارمستتر را - که قبلا هم از او یاد کردیم - می آوریم که بیانگر چنین برداشتی است. وی می

گویـد: مهـدی صـفتی است که ممکن است به هر پیغمبر و حتی به هر مخلوق اطلاق شود، لکن وقتی علم و اسم باشد به معنی کسی است که از میان عموم مردمان برگزیده و راهنمایی شده است... [۱] و نتیجه می گیریم او و بعضی افراد هم فکر او خیال می کنند این صـفت مهدی لازم نیست حتما منحصر به یک شخص معین باشد که فرزند امام حسن،... و فرزند پیامبر اکرم... و از نسل ابراهیم قهرمان توحیـد باشـد. بر همین اساس فکری، در طی تاریـخ بسـیاری افراد بدین نام و مقام منسوب شده اند و ما دلا‌یلی بطور اختصـار برای نشـان دادن خطای این طرز فکر می آوریم: ۱ - همان طور که قبلا بیان داشـته ایم، مهـدویت یک ریشه قرآنی دارد و ویژگیهـای منجی موعـود توسـط شـخص پیـامبر (ص) و دیگر معصومین بیـان شـده، و این موضوع مطلـبی نیست که ساخته مسلمانان باشد تا هر کسی به زعم خود آن گونه که می خواهد آنرا مطرح کند و مهدی (ع) را نیز خود تعیین نماید. و این مسئله آن قدر مورد اتفاق

[صفحه ۵۱]

مسلمانان است که حتی متمهدیان مهدی نماها نیز سعی کرده اند بعضی از آن ویژگیها را برای خود فراهم کنند. ۲- بزرگترین دلیـل بر اینکـه مهـدی علیه السـلام حتمـا بایـد بـا آن ویژگیهـا و از آن آبـاء و اجـداد پـاک و معصـوم باشـد، این است که: در ایـدئولوژی و عقایـد اسـلامی، پیامبران و امامان حجت ها و خلیفه های خداوند در زمین اند [۲] و بزرگترین مـدافعان توحید و عدالت. و زمین هیچ گاه از وجود یک حجت الهی خالی نیست

[۳] زیرا اگر چنین شـد، زمین ساکنین خود را فرو می کشـد. [۴] پس این حجت واسـطه بین خـدا و خلق است. و نوح (ع)... و ابراهیم (ع)... و موسـی (ع)... و عیسـی (ع)... و محمـد (ص)... و علی (ع)... و تمـام ائمه معصومین (ع) تـا مهـدی (ع)، برترین حجتهای الهی بوده انـد. این گروه صف توحیـدیان را تشـکیل داده و برترین مدافعان آن بوده اند و بسوی یک هدف رهنمون شـده انـد. از این رو، هر آن کس که در این سلسـله نباشـد، رهبریش خطاست و در این زمان - زمان غیبت امام - هر کس که مدعی این پیشوائی شود و یا به دروغ بدین سمت منسوب شود مسیر او مسیر

[صفحه ۵۲]

طاغوت است و بس. [۵] ۳- بخش دیگر جواب ما، اینست که اگر آن ویژگیها برای مهـدی (ع) (ماننـد دودمان، عمر طولانی، غیبت ها،... (بیان نمی شد، آن گاه هر شـخص نالایقی، یا از روی جاه طلبی، یا به دسـتور اسـتعمارگران، خود را بعنوان مهدی معرفی نموده و به فریب می پرداخت و آنها را برده خود و اسـتعمارگران می نمود، چنانکه دیـدیم افرادی در طی تاریـخ چنین کردنـد، اما خداونـد آنها را رسوا کرد و بیشتر آنان، از روی عـدم داشـتن این ویژگیها، مردود شـناخته شدند و رسوا گردیدند. آری مجموعه خصوصـیاتی که در مورد قائم (ع) از بزرگان دین برای ما رسـیده است، تا ابـدین بر انـدام هیـچ کس جز مهدی موعود اسـلام شایسـته نیست و هر کس ادعای این شایسـتگی کرده، ادعایش چون اسـطوره ای، تنها نقشی سطحی در تاریخ بر جای نهاده است. آری، قائم منتظر و منتقم،

فرزند قهرمانان توحید است، و از دودمان آن ابر مردان پاکباز معصوم. او بگاه ظهورش، از مکه - جائی که جدش پیامبر اسلام (ص) ظهور کرد - قیام می کند و فریاد انا بقیه الله او سینه فضا را می شکافد [۶] و عیسی پشت سر او نماز

[صفحه ۵۳]

می گزارد، [۷] یاران او در وهله اول سیصد و سیزده مجاهد راستین اند، [۸] به تعداد مجاهدان اسلام در یاری جدش در اولین جهاد او. او شمشیر قدرت و عدالت پدرش علی (ع) را که تنها در راه توحید ضربه می زد، بدست می گیرد و نبرد خود را علیه کفار و غاصبین حق ولایت - که جانشینی خدا در زمین است - آغاز می کند. و سرانجام مرکز خلافت و امامت عدل خود را در کوفه (پایتخت پدرش علی، ع) بر پا می کند و یاران عزیز و جانبازش پرچم توحید و عدل الهی را حتی برفراز دورترین شهرهای شرق و غرب عالم نیز بر می افرازند. بامید آن روز و بر آمدن آن خورشید

[صفحه ۵۵]

پاورقی

[۱] دارمستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، ترجمه محسن جهانسوز،... ص ۸.

[۲] قرآن مجید، سوره ص، آیه ۲۶ - که حضرت داود را خلیفه خدا در زمین خوانده:... یا دواد انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و نیز محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، باب ۸ و ۹.

[۳] محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۳۶: اللهم بلی لا تخلوا الارض من حجه قائم لله بحجته اما ظاهر معلوم و اما خائف مغمور...

[۴] محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، کتاب الحجه، باب ان الارض

لا تخلو من حجه: لو بقیت الارض بغیر امام لساخت.

[۵] محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص. ۱۱۴ از امام باقر (ع): کل رایه ترفع قبل رایه القائم (ع) صاحبها طاغوت.

[۶] سید مومن شبلنجی مصری (متوفی بعد از ۱۲۹۰ ه)، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی، مصر،... ص ۱۵۴.

[۷] حافظ ابونعیم اصفهانی، الاربعین، ح ۳۸ (او متوفی ۴۳۰ ه است، و در این جزوه اش ۴۰ حدیث در مورد امام غایب آورده که در کشف الغمه آمده است).

[۸] محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵ - شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۶۵۴.

## گمراهان

از جمله موضوعاتی که در دوران غیبت امام مهدی (ع) کرارا مطرح می شود، مسئله متمهدیان (مهدی نمایان) است. همان گونه که قبلا بررسی شد حضرت بقیه الله (ع) بگاه ظهور علیه ظالمان و بیدادگران و بی دینان قیام خواهد فرمود. متاسفانه، در طول تاریخ، گاهی اوقات این زمینه پاک اعتقادی، مورد سوء استفاده عده ای قرار گرفته، که یا جاه طلب بوده اند و با استفاده از این روحیه حرکت آفرینی انتظار، مردم را به شورشهائی واداشته اند، تا با قیامهای پیروان خود به مقامی برسند، و یا افرادی فریب خورده و مورد حمایت دول استعماری بوده اند. این افراد، خود را به دروغ بعنوان نایب امام یا خود امام معرفی نموده اند. البته این گروه در مبارزات و یا در فریب دادن مردم -

[صفحه ۵۶]

پیروزی هائی نیز داشته اند. از جمله افراد مذکور، غلام امد قادیانی در پاکستان و مهدی نمای وطنی سید باب بوده اند. بد نیست مقداری از شخص اخیر که در ایران بوده و اینک پیروانش موجوداند، سخنی

بگوئیم، زیرا مسلک قادیانیها اخیرا در پاکستان در سطح مردم مورد تکفیر واقع شد، و بی اساس بودن ادعاهای غلام احمد قادیانی بر همه آشکار شد. در اواسط قرن سیزدهم، ایران دچار بحرانهای اجتماعی شد که پی آمد آنها زمینه مساعدی شد، تا شخصی مدعی مقاماتی معنوی یا مهدویت شود، و مردم ساده لوح او را پیروی کنند. شخص فوق، جوانی بزاز زاده بود، بنام میرزا علی محمد شیرازی که به سال ۱۲۶۰، ادعای بابیت (نیابت) امام عصر را نمود و مشتی افراد ساده لوح بدور خود گرد آورد. او فرزند میرزا رضای شیرازی و فاطمه بیگم بود و در ۱۲۳۵ هجری در شیراز متولد شد. دوران تحصیل کودکی را در شیراز گذراند و در جوانی به تجارت در بوشهر پرداخت. سپس به عزم تحصیلات برتر، عازم کربلا و نجف گردید، و در آنجا شاگرد سید کاظم رشتی رهبر آن روز شیخیه گردید. از خصوصیات سید کاظم این بود که در لفافه مدعی نیابت امام غایب بود. پس از فوت سید رشتی، بر سر جانشینی او بین شاگردان اختلاف افتاد، در این بین میرزا علی محمد نیز بیکار ننشست. و با این مقدمات، به سال ۱۲۶۰ هجری به پیروی از استاد خود، مدعی مقام نیابت امام مهدی (ع) شد و این ادعا را در تفسیری که بر سوره یوسف قرآن نگاشته منعکس نمود. از جمله فراز زیر است که اشراق خاوری (مبلغ بهائی) آن را در کتاب خود آورده و اینک

[صفحه ۵۷]

ترجمه آن: خداوند چنین مقرر کرده است که این کتاب (تفسیر سوره یوسف) از نزد حضرت محمد بن الحسن بن علی... بن علی بن

ابی طالب بـدست بنـده و باب او (ذکر) [۱] برسـد تا دلیل و برهان خداونـد بر مردم جهان باشد [۲] مردم آگاه و بیـدار دل، به جهت ادعای او به مخالفت با او پرداختند و سـرانجام در مجلسـی که در حضور امام جمعه شیراز بر پا شد، باب دست از ادعای دروغین خـود برداشت و تـوبه نمود و آن را انکـار کرد. [۳] امـا پیروان او برایش به تبلیغ پرداختنـد، تـا اینکه او خطر را دوباره احسـاس کرده، و به اصـفهان گریخت. وی در اصـفهان، تحت حمـایت منوچهر خان گرجی (روسـی) در آمـد و منوچهر به او وعـده داد که چهل ملیون فرانک دارائی خود را به او خواهـد بخشـید و خواهر زیبای شاه را به ازدواج او در خواهد آورد. [۴] بهر حـال، این نویـدها و طرفـداری یـک عـده از پیروان متعصب ناآگـاه، بـاعث شـد تـا بـاب به التهـاب آیـد، و دوباره به ادامه ادعایش بپردازد. و بالاخره او که روزی خود را باب امام غایب خوانده بود، و آن را نیز منکر شده بود، چنین اعلام داشت که:

[صفحه ۵۸]

من همان قائمی هسـتم که شـما به ظهورش وعـده داده شده اید. [۵] امـا از بخت بـد او، این ادعا نیز در مجلسـی که در حضور ناصـر الـدین میرزا ولی عهـد محمـد شـاه قاجـار - و علمای تبریز بر پا گردیـد، به توبه او منتهی شـد. [۶] ولی پافشاری بعضـی طرفـداران، دوباره فریبش داد و برای سومین بار ادعای نبوت نمود و کتاب بیان را در نسخ قرآن و اثبات دین خود نگاشت. اما این سه ادعا کم بود و باب کار بی پروائی را

بدانجا رسانید، که خود را خدا خواند [۷] خدائی؟ آری، خود بسیار جرات! و شجاعت! است که مخلوقی خود را خالق و خدا بخوانـد. آری دروغ نیز گاهی جرات می خواهـد! پایمردی و ثبات او را ببینید: کسـی خود را امام موعود - که بیعت کسـی در گردنش نیست - بنامد اما خود را فدائی درگاه محمد شاه بخواند. زهی استقامت، که کسی مدعی مقامی شود که تمام قدرتها تحت سلطه او در می آیند، اما در مقابل ناصر الدین میرزای ولی عهد، التزام پا به مهر بسپارد، که دیگر چنین غلطی! نکند. [۸] علاوه بر اینها، آیا هیچ یک از ویژگیهای قائم اسلام را داشت؟

[صفحه ۵۹]

آیا پدر میرزا علی محمد، امام حسن عسـکری بود؟ و آیا مادرش، نرجس خاتون؟ آیا سال تولد او، برابر میلاد امام مهدی بود؟ و آیـا... و بالاخره آیا او جهان ظلمانی را مالامال از عـدالت و داد نمود یا نه؟ بهتر است در این مورد، به ناله میرزا حسـین علی نوری (بهاء الله) رهبر دیگر بهائیان، گوش فرا دهیـد که: از اول دنیا تا حال، چنین ظلمی دیـده نشـده و شـنیده نگشت [۹] و نیز این نوشـته را از فرزنـد او عبـاس عبـدالبهاء (امـام بهائیـان) بخوانیم که: جهـان در جنـگ و جـدال است و نوع انسـان در نهایت خصومت و وبـال، ظلمت جفـا احاطه نموده و نورانیت وفا پنهان گشـته. [۱۰] تـازه این فریادهـا و ناله ها قبل از جنگهای اول و دوم جهانی بود - مسلما با در نظر گرفتن این دو جنگ و بخاک و خون کشیده شدن حدود ۵۰ ملیون انسان، به میزان برقراری عدالت جهانی

این رهبران دروغین، آگاه خواهید شد. آری، سرنوشت آنان که در غیاب امام، به دروغ تکیه بر مسند او زنند چیزی جز رسوا شدن در تاریخ نیست. امید آن که، آنان که فریب این گونه فریب کاران و نیز فریب ساده لوحی خود را خورده اند مقداری آگاهانه بیندیشند و خود را از دام این دو نان آزاد کرده، براه راست اسلام بازگردند. آمین.

[صفحه ۶۱]

پاورقی

[۱] این لقب را خود باب بر خویش نهاده بود.

[۲] رحیق مختوم، چاپ جدید، ص ۳۴: الله قد قدر ان یخرج ذلک الکتاب فی تفسیر احسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی... بن علی بن ابی طالب علی عبده لیکون حجه الله من عند الذکر علی العالمین بلیغا.

[۳] اشراق خاوری، تلخیص تاریخ نبیل، صفحه ۱۴۱.

[۴] شوقی، قرن بدیع، جلد اول، صفحه ۱۱۴ - فاضل مازندرانی، ظهور الحق بخش سوم، صفحه ۱۰۵ - دکتر اسلمنت، حضرت بهاء الله، صفحه ۱۰۴.

[۵] فاضل مازندرانی، ظهور الحق، صفحه ۱۷۳، پاورقی: انا القائم الحق الذی انتم بظهوره توعدون.

[۶] ابوالفضل گلپایگانی، کشف الغطاء، صفحه ۲۰۴ - ۲۰۵.

[۷] علی محمد باب، لوح هیکل الدین.

[۸] کشف الغطاء، صفحه ۲۰۱ - ۲۰۴.

[۹] میرزا حسین علی بهاء، مجموعه الواح بزرگ چاپ مصر، لوح رئیس فارسی، صفحه ۱۰۵.

[۱۰] عباس افندی، مکاتیب، جلد سوم، صفحه ۱۱۹.

## پاکبازان

اینک شیعه در غیبت امام خود بسر می برد. و با چشمانی اشک آلود، ولی دلی پر امید، خواستار ظهور منجی موعود است. اما تنها با امید بدون حرکت، منتظر نتوان بود. باید شرایط یک منتظر واقعی را داشت. سعی کنیم آن طور که اسلام و پیشوایان فرموده اند، زندگی کنیم و در تبلیغ پیروی

از آنان و پوییدن راه آنان، از هیچ کوششی دریغ نداریم. زیرا که پس از شناخت خدا و پیامبر، شناخت واقعی امام لازم است و نشناختن او گمراهی محض. [۱].

[صفحه ۶۲]

اما آیا شناخت تنها نیز کافی است؟ نه. مسلما این شناخت بایستی همراه با تعهد و عمل باشد. و بدانیم که این شناخت و عمل آگاهانه در قبال آن، تابع زمان نیست، زیرا یک منتظر واقعی امام، اگر هم بمیرد گویی در خدمت امام و در خیمه او بوده زیرا که: من مات منکم علی هذا الامر منتظرا له، کان کمن کان فی فسطاط القائم: [۲] آن کس از شما که بمیرد، در حالی که منتظر این امر باشد، همچون کسی است که در خیمه قائم (ع) بوده است. آری بکوشیم شناخت کاملی از امام و ویژگی هایش و شرایط ظهورش را داشته باشیم، و تا آخرین حد تلاش در این راه ره بپوئیم، و در سختیهای راه انتظار مقاوم باشیم، و تا نهایت توان خود در شناساندن امام به مردم و جامعه مسئولیت بپذیریم تا شایستگی یاری امام در زمان ظهورش را بیابیم چون امام فرموده است: هر یک از یاران مهدی (ع) بهنگام ظهور او دارای نیروی چهل مرد و قلبی محکم تر از پاره های آهن می باشد. [۳] اما در این راه باید بدانیم از مسیر تقوی و اخلاق نیکو خارج نشویم و... چه زیبا امام صادق (ع) وظیفه شیعیان را در وقت غیبت تعیین نموده است:

[صفحه ۶۳]

ان لنا دوله یجی ء الله بها اذا شاء... من سره ان یکون من اصحاب القائم، فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و

هو منتظر، فـان مـات و قـام القائم بعـده كان له من الاجر مثل اجر من ادركه...: [۴] همانـا ما را دولتی است - كه خـدای آن را وقتی بخواهـد می آورد... هر كه بودن در شـمار یـاران قـائم مسـرورش سـازد، پس بایـد انتظار كشـد و با ورع و پرهیزكاری و خوی هـای نیكو عمل كنـد، در عین حال كه منتظر است. پس (چنین شخصـی) اگر بمیرد و پس از (مرگ) او قائم قیام نمایـد، (باز هم) او را پاداشـی مانند پاداش آن كه قیام قائم را درک كرده است، می باشد. در این واپسین سخن بیایید باهم بكوشیم تا جزء معتقـدان و منتظران راستین باشـیم و شایسـته گفتن این فریـاد درونی: مهـدیا! یكره به كشور ایمان بنگر، و ویرانه هایش را آباد كن، بدر آی ای حجت خدا! و این دلها را كه در انتظارت شكسـته اند، و از دست دشـمنانت سـخت خسته، به نشاط آور. بپاخیز ای امام عصـر! و بنـدگان خـدا را از چنگ بیـداد و شـهرهای خـدا را از دست كفر برهان. قیام كن ای قائم بحق! و دیگر تـاخیر روا مـدار، زیرا در اینجـا از سـپاه خـدا، بهترین گروه را منتظرانت و شـریف ترین یـاران و كریم ترین انصارت را خواهی یافت.



پاكباختگانی دلاور و تنومنـد اما چابک، كه بسوی مرگ، در راه تو، بی صبرانه شـتابانند. بـدر آی و قیام كن ای وارث ابراهیم (ع) و... محمد (ص) و علی (ع)... و بر معبد توحید - كعبه - تكیه زن و یاران راستینت را فراخوان.

پاورقی

[۱] سید بن طاووس (ره)، جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع، چاپ ۱۳۳۰ قمری صفحه ۵۲۲: اللهم

عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی. همچنین: بحار الانوار، جلد ۵۲، باب فضل انتظار الفرج، روایت ۷۰، صفحه ۱۴۶ - نقل از کمال الدین - روایت امام صادق علیه السلام.

[۲] بحار الانوار، جلد ۵۲، باب فضل انتظار الفرج، روایت ۱۵، صفحه ۱۲۵ نقل از محاسن - روایت امام صادق (ع).

[۳] بحار الانوار، جلد...۲ و اخلاقه، روایت ۴۴، صفحه ۳۲۷، نقل از کمال الدین از امام صادق علیه السلام:... فان الرجل منهم یعطی قوه اربعین رجلا و ان قلبه لاشد من زبرا الحدید...

[۴] بحار الانوار، جلد ۵۲، باب فضل انتظار الفرج، روایت ۵۰، صفحه ۱۴۰، نقل از غیبت نعمانی.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹